

انسان شناسی از دیدگاه مولانا

زلیخا ناصری^۱، حوا زارعی^۲، فاطمه سیامکی^۳

۱. کارشناس آموزش زبان و ادبیات فارسی، مدیریت آموزش و پرورش میناب

۲. فوق دیپلم آموزش علوم تجربی، مدیریت آموزش و پرورش میناب

۳. کارشناس زبان و ادبیات فارسی، مدیریت آموزش و پرورش میناب

چکیده

در این مقاله در مورد زندگی مولوی و انسان شناسی از دیدگاه مولوی و مراحل خلقت انسان و جایگاه عشق و محبت در مثنوی معنوی می پردازیم از دیدگاه مولوی انسان حامل امانت گرانقدری است که او را بر همه جهانیان برتری داده و به مقام خلیفه الهی در زمین رسیده است او را اشرف مخلوقات نام نهاده است.

هدف از نوشتن این مقاله سیر تکاملی انسان در عرفان مولانا اینکه مولانا سیر خاکی و زمینی در وجود هستی انسانی داشته ما میتوانیم دیوان کبیر را محصول معراج مولانا^۱ تا اعلام درجه ملوک معنوی در نظر بگیریم همانطور که مولانا در مثنوی میفرماید در وجود ما هزاران گرگ و خوک صالح و ناصالح و خوب وجود دارد گرگ و خوک اشاره به صفات زمیمه آدمی دارد و صالح و خوب نیز به صفات نیک آدمی دلالت دارد. نتایج این مقاله بیشترین تلاش و جستجو حقایق وجود انسانی که انسان بمانند صیاد است و جزای جهان در اسارت اویند صیاد بدایت وجود اجزای جهان همه شکایه انسان در این فرضیه هستی مجبور به وجود است حتی اگر گرگ در وی راه یابد میتواند و باید عدم به وجود بازگردد.^۲

واژگان کلیدی: مولانا، مقوله های انسان شناسی، شعر

مقدمه

شیخ بهایی^۳ در ستایش مثنوی می گوید:

من نمی گویم که آن عالیجناب
مثنوی معنوی مولوی
هست پیغمبر ولی دارد کتاب
هست قرآنی به لفظ پهلوی

مولانا کتاب مثنوی معنوی را با بیت :

بشنو از نی چون شکایت می کند
از جدایی ها حکایت می کندمثنوی معنوی^۴ حاصل پربار ترین دوران عمر مولاناست

مولوی : جلال الدین مولانا مشهورترین شاعر ایرانی^۱خلقت انسان : هدف نهایی ، خلقت انسان^۲شیخ بهایی : فقه عارف ، منجم ، ریاضی دان قرن ده و یازده^۳مثنوی معنوی : کتاب شعر معروف مولانا^۴